

خدابنده (قیدار)

حسن سپهرفر، محرم عبدالله پور

شهرستان خدابنده (قیدار) یکی از شهرستان‌های استان زنجان است. شهر قیدار مرکز این شهرستان است. از شمال به شهرستان زنجان و ابهر و بخش آوج و از جنوب به استان همدان و از غرب به استان کردستان و قسمتی هم به زنجان محدود است. شهرستان خدابنده از ۴ بخش مرکزی، افشار، بزینه رود و سجاسرود و ۲۳۲ روستا و ۳۳ روستای خالی از سکنه تشکیل شده است. در این گفتار کوتاه قصد داریم به بررسی پزشکی و دارو سازی سنتی این منطقه بپردازیم.

جدول داروهای گیاهی به تفکیک نقاط بررسی شده

نام دارو	خدابنده	سجاس	کوچ تپه	محمدخلج	دوغانلو	قلیش قیه	ارقین بولاغ	گرماب
پوست انار								×
دانه اسپند								×
روغن کنجد								×
سیب زمینی		×		×		×		
میوه قوش نوزومی					×			
یانداق گولی					×			
ترزی تیکانی					×			
هلبله					×			
باغ دنی			×					×
کاسنی		×						×
بومادران		×						

شاش‌بند برای درمان انسداد مجرای ادرار، شاش‌بند شدن، در شهرهای سجاس و گرماب و روستای کوچ‌تپه مقداری از تورهای عنکبوت شیطان توری (šeytân tori) را که اغلب از سقف تیرهای تنورخانه یا زاغه‌ها آویزان می‌شود روی مئانه و آلت تناسلی فرد قرار می‌دادند. همچنین در شهر سجاس آلت تناسلی بیمار را داخل کدوتنبیل گرم‌شده می‌گذاشتند. یا در شهر گرماب عقرب سیاهی را سوزانده و فرد آلت خود را در معرض دود آن قرار می‌داد.

- در روستای محمدخلج مقداری صابون به مجرای تناسلی فرد شیاف می‌کردند.
- در روستای ارقین بلاغ شخص را در آب ولرم می‌نشانند.

اسهال در حوزه پژوهش نوشیدن چای غلیظ و پررنگ از معمول‌ترین شیوه‌های درمان اسهال است. مضافاً در شهر سجاس و روستاهای کوچ‌تپه و قلیش‌قیه خوردن ترکیب ماست با کهلیک‌اتی (kahlikoti) یا پونه از دیگر روش‌های معمول درمان اسهال است.

خوردن دم‌کرده برنج نشسته به شکل کته نیز در کوچ‌تپه و محمدخلج از جمله داروهای محلی برای قطع اسهال است.

در روستای ارقین بلاغ برای درمان اسهال علاوه بر خوردن چای غلیظ و پررنگ یکی از روش‌های درمانی زیر هم به کار برده می‌شد:

- پشگل الاغ مادیان را داخل آب جوشانده و کمی از آب فوق را به بیمار می‌خوراندند.

- جوشانده دانه‌های ورکدن (varakdana) می‌خورند.

- جوشانده بومادران (boymâdaran) میل می‌کنند.

در شهر رماب نیز برای درمان اسهال، یا جوشانده نبات زرد می‌خورند یا دوغ تهیه شده از کشک محلی را مصرف کردند.

یبوست در روستای کوچ‌تپه برای درمان یبوست کمی زنجبیل را در آب داغ حل کرده و می‌خورند.

- در روستای محمدخلج، یا جوشانده گل ختمی را می‌خورند یا فضلۀ گنجشک را شیاف می‌کردند.

- در روستای دوغانلو شیاف کردن با آب صابون از جمله درمان‌های یبوست بود. در خدابنده و قلیش‌قیه یا روغن کرچک می‌دهند، یا شیر مریم‌نخودی را روی حبه قندی چکانه و آن را به بیمار می‌خوراندند.

در شهر گرماب شیاف کردن با زاج یا خوردن خاکشیر از روش‌های معمول درمان یبوست در ایام گذشته بود.

گوش‌درد در حوزه مطالعاتی دمیدن دود سیگار در گوش نوزادان و کودکان از جمله روش‌های معمول درمان گوش‌درد است.

- در روستای محمدخلج ریختن ترکیبی از تریاک و روغن در گوش، یا روغن حیوانی از دیگر روش‌های درمان گوش‌درد بود.

- در روستای دوغانلو مضاف بر دمیدن دود سیگار، یک عدد گنجشک را کوبیده و روی گوش قرار

می‌دادند. یا مرهمی از آراد و روغن تهیه کرده و روی گوش می‌گذاشتند. همین مورد اخیر در روستای قلیش‌قیه نیز به کار می‌رفت.

در روستای ارقین بولاغ نیز مقداری روغن حیوانی را در پوسته پیاز داغ کرده و پس از ولرم شدن در گوش می‌ریختند. ریختن مقداری تریاک آب‌شده در گوش از دیگر روش‌های درمان در ایام گذشته بود. - در شهر گرماب سه روش درمانی برای التیام دادن و آرام کردن درد گوش به کار برده می‌شد: - مقداری شیره انگور را جوشانده سپس با ترکیب مقداری آرد خمیر کرده و روی گوش قرار می‌دادند. - مقداری آرد را با شیر ترکیب کرده، در اصطلاح محلی لواشک، روی گوش می‌گذاشتند. - گنجشکی را گرفته و مقعد آن را در سوراخ گوش قرار می‌دادند. چرا که عقیده بر این است مخرج گنجشک درد گوش را کشیده سپس خود می‌میرد.

یرقان بلعیدن ماهی‌های کوچک جویباری از جمله روش‌های معمول درمان یرقان در اغلب نقاط حوزه پژوهش در ایام گذشته بود.

- در روستای کوچ‌تپه به بیمار سنگ عقیق ریزی می‌دادند تا بیلعد در حالی که در روستای دوغانلو مهره‌های زردنگی را به دست می‌بندند. این در حالی است که در شهر گرماب مهره‌ها را به نخ کشیده و سپس به گردن می‌آویختند. ضمناً در روستاهای کوچ‌تپه و ارقین‌بلاغ در صورتی که بیمار بهبود نمی‌یافت رگ پشت گوش وی را سلمانی بیشتر می‌زد.

زگیل سابقاً در شهر سجاس و روستای کوچ‌تپه برای درمان زگیل به تعداد زگیل‌های روی دست، عدس شمرده، سپس با خواندن دعا و صلوات آن‌ها را به چاه مستراح می‌انداختند، تا با پوسیده شدن عدس‌ها به‌مرور زگیل نیز پوسیده شده و بیفتند. در روستای ارقین‌بلاغ برای درمان زگیل ابتدا جگر گوسفند قربانی را بر روی زگیل مالیده، سپس آن را زیر ناودان چال می‌کردند تا با پوسیده شدن جگر زگیل‌ها نیز بیوسند.

- در روستاهای محمدخلج و قلیش‌قیه و شهرهای گرماب و خداپنده به تعداد زگیل‌های درآمده جو شمرده پس از خواندن سوره الم‌نشرح به زگیل‌ها، آن‌ها را در مکانی نمناک چال می‌کردند تا با پوسیده شدن جوها به‌مرور ایام زگیل‌ها نیز بیوسند.

- در روستای دوغانلو شاخه‌های درخت قارا آغاج (qârâ âyâj) را بیچ داده، و با قرار دادن زیر سنگی نیت می‌کنند تا با پوسیده شدن ساقه‌ها زگیل‌ها نیز بیوسند. همین روش را روستاییان قلیش‌قیه با ساقه‌های یانداق (yândâq) (خارشتر) انجام می‌دهند.

- در شهر گرماب برای درمان زگیل مقداری شیر انجیر کال و نرسیده روی آن می‌مالیدند. یا در شب‌های چهارشنبه در روشنایی ماه کامل رو به قبله ایستاده، سپس جارویی را روی زگیل کشیده و صلوات می‌فرستادند به این نیت که زگیل نیز جارو شده و بیفتند.

دَمِیرو (damiro): یکی از بیماری‌های پوستی و قارچی است که اغلب در ناحیه دست و پا سر و صورت ایجاد می‌شود. محل این بیماری ابتدای سرخ شده و ایجاد خارش می‌کند. رفته‌رفته موضع فوق خشک شده و ترک برمی‌دارد. نهایتاً خون‌آبه‌ای از آن تراوش و تبدیل به زخم می‌شود.

- در روستای دوغانلو برای التیام این بیماری مقداری دوده ته‌دیگ را با کمی حنا و گیاهی به نام چالی‌گولی (čaliquli) ترکیب کرده و روی موضع قرار می‌دادند.
- در روستای ارقین بلاغ شاخه‌ای از درخت ییلقین (yilgin) (گرم) را سوزانده، روغنی را که از ته آن تراوش می‌شود بر دمپرو می‌مالند.
در شهر گرماب مقداری پیه حیوان می‌مالند. در سایر نقاط بررسی‌شده درمانی در این مورد ذکر نشد.

سرخک یکی از بیماری‌های پوستی است که در زبان ترکی محلی به آن قیزیلجا (qizilijâ) می‌گویند. طبق باور عمومی ساکنان نقاط بررسی شد هر فردی در طول عمر خود یکبار به این بیماری مبتلا خواهد شد، در صورتی‌که در مدت زنده بودن خود مبتلا به این بیماری نشود استخوان‌های وی در قبر حتماً مبتلا به سرخک خواهد شد.

سرخک از جمله بیماری‌هایی است که بنا به اظهارات ساکنان نقاط بررسی‌شده علت بروز آن سرماخوردگی بوده و خود را از ناحیه سینه و کبد بروز می‌دهد. طول بیماری تا بهبودی حدود نه روز است. به طوری که در سه روز اول شخص دچار تب و لرز شده، در سه روز دوم بثورات کوچک سرخ‌رنگ سرخک به اندازه لپه و یا کمی کوچک‌تر خود را نشان داده و در سه روز آخر رفته‌رفته علائم بهبودی حاصل شده و فروکش شدن بثورات مشاهده می‌شود. طی این مدت بیمار نباید بدن خود را بخاراند، چرا که با کنده شدن پوسته بثورات و خالی شدن چرک داخل آن محل مذکور پس از بهبودی به گودی خواهد افتاد.

- در شهر خدابنده و روستای کوچ‌تپه به بیمار شیر زنی که دختر زاییده می‌دادند.
در روستاهای کوچ‌تپه، محمدخلج، ارقین‌بلاغ، دوغانلو، شهر گرماب بیمار مبتلا به سرخک را در پارچه سرخ‌رنگ می‌پیچیدند.

- در دوغانلو نیز به بیمار شیرینی یا کدو پخته‌شده می‌خوراندند یا بیمار باید بخار کدوی پخته شده را استنشاق می‌کرد.

- در ارقین‌بلاغ نیز خوردن شیر گاو و تخم‌مرغ آب‌پز شده از دیگر روش‌های درمان این بیماری است. همچنین در کلیه نقاط بررسی‌شده پرهیز از قرار گرفتن در معرض هوای سرد، پرهیز از خوردن غذاهای پرچرب و سرد از دیگر روش‌های پیشگیری در حین بیماری است.

آبله درمان فقط در روستاهای ارقین‌بلاغ و محمدخلج ذکر شد. در ایام گذشته برای این کار معمولاً سلمانی‌ها پوست خشک‌شده بثورات فرد مبتلا به آبله را گرفته و پیش خود نگه می‌داشتند، تا به جای واکسن سنتی به کار ببرند. معمولاً برای مایه‌کوبی آبله دست بیمار را با زدن سوزن‌های ممتد سوراخ می‌کردند، سپس پوست خشک‌شده آبله را روی محل مذکور گذاشته مجدداً با سوزن می‌زدند تا پوست وارد بدن شود.

مخملک را در حوزه پژوهش داباز (dâbbâz) گویند. بیماری مخملک از جمله بیماری‌های پوستی است که قسمت‌هایی از بدن انسان به اندازه یک سکه دو ریالی یا صدف انگشت سرخ شده و به خارش می‌افتد. با

فشار دادن انگشت، این لکه‌های سرخ از بین رفته، مجدداً پس از برداشتن انگشت به همان شکل اولیه برمی‌گردند. دوره بیماری تا بهبودی معمولاً یک هفته به طول می‌انجامد. برای درمان این بیماری در روستای دوغانلو برگ‌های کهلیک‌اوتی را سوزانده آن‌گاه بیمار باید خود را در مقابل دود آن قرار دهد.

- در روستای ارقین‌بلاغ برای درمان مخملک پس از اینکه ساقه‌های پوست گرفته شده کاسنی را یک شب در آب می‌خیسانند به بیمار می‌دانند. همچنین از برگ‌های کاسنی آشی را برای بیمار تهیه می‌کنند.

- در روستای قلیش‌قیه و شهر گرماب فرد بیمار را در آب‌نمک استحمام می‌دهند.

از علائم این بیماری می‌توان وجود تب در بخش‌های شکم، لکه‌های قرمز به اندازه سکه دوریالی، و خارش را نام برد.

حصبه که به بنا به اظهارات افراد محلی از سرماخوردگی بروز می‌کند در فرد مبتلا ایجاد تب و لرز و کمردرد، سرفه، و خارش می‌کند. برای درمان آن در روستای کوچ‌تپه خوردن شیر الاغ یا شیر زنی که دختر زائیده از معمول‌ترین داروهاست. در دوغانلو بیمار را لابه‌لای برگ‌های درخت بید می‌پیچند، یا خوردن مقداری خاکشیر یا هندوانه زرد دیمی را مفید می‌دانند.

- در روستای ارقین‌بلاغ شخص مبتلا به حصبه باید از خوردن ترشی- ماست، دوغ و غذاهای سرد نیز پرهیز کند.

- در شهر گرماب برای درمان به بیمار دم‌کرده بذر گیاهی به نام باغایارپاکی (bâyâ y ârpâqi) می‌دهند. همچنین خوردن گوشت کبوتر، شیر گاو یا آب نخود یا آب جوجه پخته شده یک ساله را در درمان بیماری مفید می‌دانند. گفتنی است، بنا به اظهارات افراد محلی اگر شدت حصبه در فرد بیمار زیاد باشد وی به هذیان‌گویی خواهد افتاد. در این مواقع برای آرامش بیمار بالای سر وی نی نواخته می‌شد.

خونریزی یکی از معمول‌ترین روش‌های بند آوردن خونریزی‌های ناشی از بریدگی در مناطق حوزه پژوهش به غیر از روستاهای محمدخلج و قلیش‌قیه قرار دادن مقداری یونجه جویده شده یا له‌شده تازه روی ناحیه خونریزی است. همچنین در شهر سجاس یونجه را سوزانده و خاکسترش را روی موضع می‌ریزند. یا به محل خونریزی کمی پیشاب یا شیر گیاهی به نام آجی یارپاق (âji yârpâq) می‌زدند.

در کوچ‌تپه نیز مقداری ماست را در روغن جوشانده پس از اینکه سفت شد با آرد ترکیب کرده و روی زخم می‌گذاشتند.

- در محمدخلج و ارقین‌بلاغ پس از سوزاندن مقداری پارچه نخی خاکستر تولید شده را روی موضع بریده‌شده می‌بستند.

- در روستای دوغانلو پیشاب کردن یا مالیدن مقداری روغن حیوانی بر موضع بریده شده نیز از دیگر روش‌های درمان بود.

- در روستای قلیش‌قیه نیز مرهمی به نام یاغلی‌قار (yâyli qârâ) را از ترکیب روغن و خاکستر پارچه نخی تهیه کرده و روی موضع می‌بستند.

حجامت کردن در حوزه پژوهش معمولاً برای گرفتن خون کثیف و زاید، درمان سرماخوردگی، (درمان حصبه در روستای دوغانلو) در اواخر اسفند، یا اوایل بهار انجام می‌گرفت، محل خون‌گیری و حجامت کردن اغلب مابین دو کتف در ناحیه پایین آخرین مهره‌های گردن بود. در شهر سجاس مضاف بر ناحیه گردن از زیر پاشنه پا و کپل نیز حجامت می‌کردند.

معمولاً عمل حجامت را سلمانی‌های مرد دلاک‌ها یا زنان خبیره این کار را انجام می‌دادند. برای این عمل محل موردنظر را با شاخ گاو بورنوز (burnuz) مکیده^۱ و خون داخل مویرگ‌های سطحی بدن را به قسمت‌های روی پوست می‌کشیدند، سپس با تیغ دلاکی چند شکاف جزئی و عمودی ایجاد می‌کردند.

زالواندازی به کار بردن زالو برای درمان بیماری‌ها به علت در دسترس نبودن آب در منطقه، زیاد معمول نیست. با این حال در شهر سجاس و گرماب و روستای قلیش‌قیه برای درمان پادرد در ایام گذشته استفاده می‌شده است. مضافاً در قلیش‌قیه برای گرفتن خون کثیف و در کوچ‌تپه برای درمان زردی نیز کاربرد داشته است.

جراحات معمولاً برای درمان جراحات و زخم‌های عمیق در روستای کوچ‌تپه تعدادی برگ گیاهی به نام نیل (nil) روی موضع می‌گذاشتند. یا مرهمی از ترکیب تخم‌مرغ با آرد و روغن تهیه کرده و روی زخم می‌بستند. همچنین ماست را در روغن جوشانده پس از اینکه آبش کشیده شد، آن را با آرد خمیر کرده و روی عضو می‌بستند. این مرهم را به زبان محلی تولاس (tulâs) گویند. در روستای ارقین بلاغ ریشه آغ اوزلیک (ây ūzllik) را جوشانده، پس از ترکیب با آرد روی عضو می‌بستند.

شکسته‌بندی

کوفتگی در همه مناطق حوزه پژوهش در صورتی که اعضای بدن انسان در اثر کار به خام (xam) کوفتگی افتد، برای درمان همان قسمت خالکوبی می‌کنند. بیشتر خال کوبی‌ها اغلب در ناحیه مچ دست‌ها به شکل دایره توپیر یا x است. برای این کار معمولاً محل مذکور را توسط چند سوزن که به هم بسته شده است می‌کوبند، بعد مقداری دوده ریخته و مجدداً عمل سوزن کوبی را ادامه می‌دهند تا دوده‌ها زیر پوست قرار گیرند.

در شهر سجاس نیز برای درمان کوفتگی نوعی علف به نام سیغیر قوردی (siyir qurdi) را کوبیده و روی عضو می‌بندند.

در روستاهای کوچ‌تپه، دوغانلو، محمدخلج و شهر گرماب نان پنجه‌کش را ریز ریز کرده، سپس با روغن آغشته و روی عضو می‌بندند.

۱. در روستای قلیش‌قیه و شهر گرماب از ظرف کوچک سفالین شبیه ظرف ریزی به نام بستنی (basti) استفاده می‌کردند معمولاً برای این کار ابتدا مقداری خمیر بر محل موردنظر قرار می‌دادند بعد پارچه‌ای را که داخلش مقداری نمک ریخته و محکم بسته‌اند به نفت آغشته و بر خمیر آتش می‌زدند سپس بستنی را روی آن قرار داده با سوخته شدن اکسیژن محل و ایجاد خلأ محل مذکور بالا می‌آمد.

دررفتگی‌ها

دررفتگی فک برای این کار ابتدا اگر مصدوم دندان مصنوعی داشته باشد باید آن را از دهان وی بیرون آورد. سپس با انگشت شست بالای فک را گرفته و به سمت پایین فشار داد. همزمان با این عمل باید پارچه‌ای را روی دندان‌های پایین قرار داده و با کمک چهار انگشت دست دیگر فک را به سمت پایین کشید.

دررفتگی شانه برای این کار ابتدا پارچه‌ای را به اندازه بزرگ‌تر از مشت دست گوله کرده و زیر بغل مصدوم قرار می‌دهند. سپس شکسته‌بند کف پای خود را روی پارچه گوله شده گذاشته و ضمن فشاری که به آن وارد کند با دو دست دیگر، که یکی بالای مچ را گرفته و دیگری بازو را دست مصدوم را به سمت بیرون پیچ می‌دهد.

دررفتگی آرنج دست برای جا انداختن این سمت ابتدا باید عضو را با آب گرم یا روغن مالش داده و نرم کرد. سپس شکسته‌بند تیغه دست خود را مابین ناحیه داخلی آرنج گذاشته، بعد با گرفتن مچ دست مصدوم و حرکت دان آن به داخل آرنج را در جای خود می‌اندازد.

فرورفتگی دنده‌ها شکسته‌بند برای این کار ابتدا در محل صدمه‌دیده اقدام به بادکش انداختن می‌کند. همزمان با این عمل مصدوم باید در کوزه‌ای بدمد. تا فشار ناشی باد کردن شش‌ها دنده‌ها را به بیرون هدایت کند. نهایتاً مشمی طبی روی ناحیه فرو رفته می‌چسباند، در سال‌های پیش که هنوز مشمع چسب طبی در بازار یافت نمی‌شد شکسته‌بندهای محلی به جای آن مقداری سقز را با ماده‌ای سیاه‌رنگ به نام زیف حرارت داده سپس روی پارچه نخی کشیده و روی عضو می‌چسباندند.

کتف دررفته پس از مالش دادن و نرم کردن این قسمت از بدن با روغن یا آب گرم، شکسته‌بند ناحیه پایین کتف را گرفته و به بالا می‌کشد.

دررفتگی لگن در این موارد ابتدا مصدوم به پهلو روی زمین دراز می‌کشد. بعد شخصی مصدوم را از ناحیه شکم با دو دست گرفته و محکم نگه می‌دارد. در این موقع شکسته‌بند یک پای خود را روی پای سالم مصدوم قرار می‌دهد. بعد، مچ پای دررفته را گرفته، ضمن اینکه آن را به بیرون پیچ می‌دهد پاشنه پای مصدوم را به سمت باسن او خم می‌کند.

دررفتگی کشکک زانو پس از نرم کردن و مالش دادن عضو با آب گرم یا روغن نباتی و... کشکک را در جهت مخالف دررفتگی و با فشار دو انگشت شست در جای خود می‌اندازد.

دررفتگی بند زانو پس از تشخیص نحوه دررفتگی و اینکه بند زانو به کدام سمت دررفته است. یک نفر از ناحیه شکم، مصدوم را با کمک دو دست محکم می‌گیرد. سپس شکسته‌بند زانوی مصدوم را با توجه به

سمت دررفتگی به داخل یا بیرون پیچ داده و تا می‌کند. همزمان با این حرکت باید ناحیه دررفته را با دست فشار داد. متعاقباً شکسته‌بند پا را راست کرده و جلو و سوی خود می‌کشد.

فرورفتگی گردن در این موارد مصدوم باید در جایی بنشیند. بعد شکسته‌بند در مکان بالاتری از او قرار می‌گیرد. آن‌گاه شکسته‌بند دستمالی را در ناحیه پشت سر و زیر مخچه مصدوم انداخته و از روی پیشانی دو سر آن را به هم می‌پیچد. در این موقع یک پای خود را روی شانه او و یک دست را زیر چانه مصدوم قرار داده، همزمان چانه را با کمک دستمال بالا می‌کشد.

دررفتگی قوزک پا در این مواقع پس از نرم کردن عضو با آب ولرم یا روغن نباتی شکسته‌بند یک دست خود را به ناحیه پشت پای مصدوم گذاشته و با نیروی دست دیگر مچ پا را به داخل و بیرون فشار و حرکت می‌دهد.

جانداختن استخوان‌های صورت پا برای جانداختن استخوان‌های این ناحیه معمولاً پس از نرم کردن عضو با آب ولرم یا روغن زیرپای مصدوم تکه‌ای چوب یا آهن گرد و لوله‌ای شکل قرار می‌دهند. بعد شکسته‌بند انگشتان پا را با کمک دست یک دفعه به سمت پایین می‌فشارد.

شکستگی‌ها

شکستگی بینی اگر استخوان بینی شخصی شکسته‌شده باشد برای درمان آن ابتدا شکسته‌بند مقداری شمع طبی چسب طبی یا زیف و سقر می‌چسباند. بعد با تکه‌ای ورق حلبی، آتلی به اندازه بینی تهیه کرده روی آن قرار می‌دهد تا بینی ثابت شده و حرکت نکند. در غیر این صورت اگر ورق حلبی کار گذاشته نشود فرد پس از بهبودی خیشومی صحبت می‌کند.

شکستگی ناحیه پایین فک در این موارد شکسته‌بند پس از مماس کردن عضو شکسته‌شده محل را چسب طبی می‌چسباند. بعد روی آن یک تکه مقوا گذاشته و با دستمالی که از زیر چانه عبور داده شده، دو سر آن را بالای سر به هم می‌بندند. طی مدت درمان، بیمار باید غذاهای آبکی مثل آش و سوپ و آب‌میوه میل کند.

در سایر موارد شکستگی‌های دست و پا ابتدا شکسته‌بند محل شکستگی را مشخص کرده، در صورتی که استخوان‌ها پس و پیش شده باشند آن‌ها را مماس کرده و به هم متصل می‌کند، سپس مرهمی سنتی تهیه کرده و عضو شکسته‌شده را با آن می‌بندد. برای تهیه این مرهم مقداری از گل‌های گیاهی به نام کام (kâm) را با زرده تخم‌مرغ خوب مخلوط کرده، سپس بر پارچه تنزیب‌مانندی که خام‌شسته نشده- باشد می‌کشند. بعد آن را روی عضو قرار می‌دهند. نهایتاً برای ثابت نگه داشتن عضو شکسته پس از اینکه در چهار سوی آن تخته‌های باریکی قرار داد آن را با پارچه‌ای می‌بندد. حال اگر عضو دست باشد از گردن آویزان می‌کنند، اما اگر پا باشد باید برای مدتی بی‌حرکت بماند. گفتنی است اگر شکستگی وخیم باشد به مرهم ذکرشده مقداری استخوان سوزانده شده سگ را که از صافی عبور داده‌اند اضافه می‌کنند.

یکی از نشانه‌های بهبودی و جوش خوردن عضو شکسته‌شده خارش، و تورم آن است، که در این صورت باد و ورم عضو به سوی پایین حرکت می‌کند. در این در حالی است که اگر قسمت بالای عضو شکسته‌شده باد کند نشانه عدم بهبودی و مماس نشدن استخوان‌های شکسته‌شده است. معمولاً در شکستگی اشخاص جوان پس از دوازده روز تخته‌ها را از روی عضو برداشته و بعد بسته به میزان بهبودی می‌توان دوباره مرهم گذاشته و عضو را بست. در حالی که در شکستگی اعضای افراد میانسال یا کهنسال تخته‌ها را پس از بیست و دو روز باز می‌کنند.

اشخاصی که به امور مختلف طب سنتی می‌پردازند

سلمانی، دلاک، مردانی بودند که در ایام گذشته علاوه بر اصلاح موی سر و صورت مردان، کار ختنه اولاد ذکور، کشیدن دندان، حجامت کردن، فصد کردن، و خالکوبی را نیز برعهده داشتند.

سینیقچی (siniqçi): شکسته‌بندهای محلی هستند که هنوز هم در منطقه پژوهش از شهرت و مهارت‌های قابل توجهی در زمینه شغل خود برخوردارند.

ماما زنانی هستند که در گرفتن بچه و کمک به زایمان یاری می‌رسانند.

قاریقچی (qâriyaçē): معمولاً افرادی بودند اعم از زن و مرد که در بیرون درآوردن چیزهایی که در گلیوی شخصی گیر می‌کرد مهارت کافی داشتند.

حجمت الان (hajamat âlân): زنان یا مردانی بودند که در حجامت خیره بودند.

حکیم یا تورک داواییلن (hakim / turka dâvâ): زنان یا مردانی که در تشخیص بیماری‌ها و تجویز داروهای سنتی گیاهی و غیرگیاهی تخصص داشتند.

ابزار و وسایل در طب سنتی

ئولگوج (ulguj): همان تیغ دلاکی است که در امر ختنه کردن، حجامت و... استفاده می‌شود.

بور توز (burmuz): همان شاخ گاو است که مغز داخل را خالی کرده و دورتادور آن را کمی پایین‌تر از نوک شیاری ایجاد می‌کنند تا بتوان تکه‌ای پوست چرمی برای مسدود کردن سوراخ به آن ببندند. معمولاً وقتی قسمتی از عضو را برای خون‌گیری با شاخ گاو میکینند، پوست را روی سوراخ ناحیه نوک برمی‌گردانند تا مانع خروج هوای داخل آن شوند، در هر حال از این وسیله در امر حجامت استفاده می‌شد.

پوست

کوپ (kap)، بیستی (bisti): ظرفی دیزی‌مانند است که در بادکش انداختن کاربرد داشت.


تخته به اندازه تقریبی ۳۰×۲۰ سانتی‌متر که به عنوان آتل در کار شکسته‌بندی به کار می‌آید. تنزیب پارچه‌ای است که برای بستن زخم‌ها یا شکسته‌بندی استفاده می‌شود.

قمیش تکه‌ای از ساقه‌های نی است که آن را از وسط شکاف داده‌اند. از این وسیله به هنگام ختنه کردن اولاد ذکور استفاده می‌شد. برای این کار پوسته آلت را مابین شکاف آن قرار داده سپس از بیرون پوسته را با تیغ دلاکی می‌بریدند.

سوزن همان سوزن‌های معمولی دوخت یا ته‌گرد هستند که در ایام گذشته برای خالکوبی یا مایه‌کوبی آبله استفاده می‌شد.

میل وسیله‌ای چوبی و شبیه مداد است که از آن برای جدا کردن پوسته از خود آلت به هنگام ختنه استفاده می‌شد. استفاده از این وسیله در مواردی بود که سلمانی قادر نبود پوسته را به راحتی از تنه آلت تناسلی جدا کند.

خام پارچه نخی و به عبارتی همان متقال است که شسته نشده. از این وسیله برای بستن و بانداز اعضای شکسته‌شده یا تهیه چسب و مشمع طبی سنتی استفاده می‌شد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی